



بررسی فقهی حقوقی عملیات استشهادی و عملیات انتحاری

پدیدآورنده (ها) : محقق داماد، سید مصطفی؛ تقی زاده قوژدی، شیما

فقه و اصول :: نشریه نامه الهیات :: پاییز ۱۳۸۹ - شماره ۱۲

صفحات : از ۵ تا ۲۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/847267>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مشروعیت عملیات استشهادی از دیدگاه فقهای معاصر شیعه و اهل سنت
- دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه
- مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه
- بررسی تطبیقی حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک
- مبانی اعتقادی تروریسم تکفیری
- توزیع فقر یا توزیع عدالت از دیدگاه نهج البلاغه
- تحلیل تطبیقی مبانی نظری و عملی مقاومت و تروریسم حقوق و تکالیف نهضت های آزادی بخش
- اصول و شاخصه های کارآمدی دولت در اندیشه امام خمینی قدس سره
- سقوط جنین؛ فردگرایی و جامعه گرایی
- بررسی جایگاه علمی سلامت معنوی و نقش آن در پیشگیری از بیماری ها: یک مطالعه مقدماتی
- شگفتی های علمی قرآن در میوه های انگور انار و زیتون
- کاربرد معناشناسی در زمانی در تبیین مفاهیم اعتقادی قرآن: مفهوم الله از نگاه ایزوتسو

عناوین مشابه

- بررسی چالش های فقهی و حقوقی عملیات بانکی بدون ربا در ایران
- بررسی فقهی و حقوقی حکم شهادت بر سرقت پیشین پس از اجرای مجازات حدی
- بررسی فقهی و حقوقی بر حق پخش فوتبال
- تحلیل و بررسی نکاح از منظر لغوی، فقهی و حقوقی
- بررسی تحلیل فقهی و حقوقی اختیارات رهبری (ولی فقیه) در قانون اساسی بر مبنای نظریه امام خمینی (ره)
- بررسی فقهی حقوقی قاعده « اعانت بر اثم » و معاونت در جرایم
- بررسی فقهی و حقوقی افزایش جمعیت
- بررسی فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی و وضع حقوقی اطفال ناشی از این تلقیح با اسپرم مرد بیگانه
- بررسی فقهی- حقوقی مسولیت مدنی دولت در جهت معاش مردم؛ نگاهی بر انعکاس ثبات و عدالت اجتماعی در آثار گرافیکی معاصر
- بررسی فقهی و حقوقی اقرار در فضای مجازی و حقیقی

بررسی فقهی حقوقی عملیات استشهادی و عملیات انتحاری

سید مصطفی محقق داماد احمد آبادی*

شیما تقی زاده قوژدی**

چکیده

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در جامعه جهانی عناوینی مثل دموکراسی، آزادی، تساهل، تسامح و تروریسم رواج یافت، که گاه مورد استفاده و گاه سوءاستفاده قرار گرفت و در پی همین حوادث و اقدامات تروریستی پس از آن در کشورهای مختلف انگشت سوءظن و اتهام به سمت مسلمانان نشانه رفت؛ و برچسب‌های ناروا به مسلمانان تحت عنوان تروریست و خشونت طلب زده شد، و در نتیجه این فکر در جوامع القا شد که اسلام برابر با تروریسم است و در این راستا برای رسیدن به هدف خود از مفاهیمی چون جهاد و اصل شهادت و ایثار بهره جستند. همین افکار و القائات سبب شده است که بزرگان اسلام درصدد دفاع از این مفاهیم و اندیشه‌ها برآیند. دفاع مشروع، ترور، عملیات استشهادی، انتحار و عملیات انتحاری از موضوعات مهم در این مباحث هستند که در ادبیات سیاسی اسلام به تدریج ظاهر شده‌اند. به هر حال برای جلوگیری از این ادغام‌های نادرست، باید این مفاهیم را کالبدشکافی کرد، تا ویژگی‌ها و شرایط آن را بشناسیم و بین عملیات تروریستی و استشهادی و انتحاری تفاوت قائل شویم، و خطوط قرمز را مشخص کرده و اتهام تروریستی بودن را از این اعمال رفع کنیم.

واژگان کلیدی

خودکشی، عملیات انتحاری، عملیات استشهادی، دفاع، دفاع مشروع



* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

** دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد تهران شمال

عملیات استشهادی واژه‌ای است که امروزه در سطح بین الملل به عنوان یک ابزار و شیوه‌ی دفاعی شناخته شده است. امروزه این عمل از دید عده ای از علمای مذهبی، سیاسیون، حقوقدانان و عامه مردم مورد انتقاد قرار گرفته است و تبلیغات رسانه های ارتباط جمعی غرب نیز که آن را معادل عمل انتحاری معرفی می کنند، بر این فکر دامن زده است که این اقدام خود نوعی عمل انتحاری است که مورد نفرت عمومی است و اسلام آن را نهی کرده و در حقیقت نوعی از تروریسم است. به همین علت به بررسی این واژه و این نوع اقدامات می پردازیم. تا جایگاه آن را در فقه و شریعت مشخص کنیم و بدانیم که آیا اساساً چنین عملی مشروع است و به طور کلی با عمل انتحاری متفاوت است یا خیر.

خودکشی

در هیچ یک از مکاتب الهی دیگر، به اندازه‌ی اسلام، بر ممنوعیت خودکشی و انتحار پافشاری نشده است. در صفحات ابتدایی تاریخ اسلام آمده است؛ روزی پیامبر گرامی^(ص) درباره‌ی کسی فرمود: «سرانجام این فرد به جهنم خواهد رفت.» گروهی از اصحاب و اطرافیان با شنیدن این سخن پیامبر^(ص) شگفت‌زده شدند، چرا که وی را فردی فعال در عرصه‌ی مبارزه و سیاست و فردی خیر می‌دانستند و در بین ایشان فردی برجسته محسوب می‌شد، سپس دیدند که وی در یکی از جبهه‌ها مجروح گشت و برای رهایی از درد جراحت دست به خودکشی زد.^۱

حق حیات تا اندازه‌ای ارجمند و گرامی است که اگر انسانی با پیشینه بلند جهاد و نیکوکاری، به این حق تجاوز کند و در صدد خودکشی برآید، به دوزخ سپرده می‌شود و قرآن نه تنها حیات را یک حق بلکه یک وظیفه برای انسان می‌داند، در حقیقت انسان، امانتدار خداوند در این گوهر ارجمند است.

باید در نظر گرفت که هر لغت، واژه و اصطلاحی برای خود دارای هویتی است که آن را در طول تاریخ به دست آورده ولی گاه آن چنان بر اثر عوامل مختلف دچار دگرگونی و اختلاط با مفاهیم دیگر شده که تشخیص و ارائه تعریفی جامع و مانع از آن کار دشواری است. از جمله این واژه‌ها و اصطلاحات «خودکشی» و «انتحار» است که باید مورد دقت واقع شود که از یک سو با هم در ارتباط هستند و گاه دو مفهوم مستقل از یکدیگر به حساب می‌آیند.

مفهوم لغوی خودکشی عبارت است از این که کسی خود را به وسیله‌ای بکشد، و



معادل آن در ادبیات عرب انتحار از ریشه «نحر» است و «انتحر الرجل» یعنی آن مرد خودکشی کرد. ولی در اصطلاح، خودکشی منحصر به خود انسان می‌گردد. عمل انتحاری امروزه به معنی کشتن خود به منظور و قصد خاص است، که شخص خود را برای از بین بردن هدف خاص یا افراد و اشخاص خاص نابود می‌کند اما آنچه که در هر دوی اینها مشترک است وجه کشتن خود و نفس خود است.

در ابتدا لازم است برای دستیابی به هدف نهایی که همان عمل انتحاری در معنای امروزی است به بررسی وجه اشتراک این دو لفظ به معنای اصطلاحی آن بپردازیم. خودکشی یا از بین بردن نفس شخصی در مفهوم اولیه و اجتماعی آن محدود می‌شود به احساسات و عواطف و مشکلات روزمره فرد، که برای رهایی از آن، دست به خودکشی یا انتحار می‌زند. در حقیقت در خودکشی قاتل و مقتول یکی است ولی باید این جا همان طور که در مقدمه بالا آمد اشاره کنیم که، حق حیات و حفظ حیات یکی از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق است که هم در قرآن و نیز در روایات به آن اشاره شده است. به طوری که قرآن کریم صریحاً خودکشی را منع کرده: «و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیر»^۱ «خودکشی نکنید، زیرا خداوند به شما مهربان است و هر کس چنین کاری را از روی عداوت و ستم مرتکب شود، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است». در این آیه کلمه «لا تقتلوا» صیغه‌ی نهی است و دلالت بر وجوب ترک عمل را دارد.

امام صادق^(ع) فرموده: «من قتل نفسه معتمدا فهو فی نار جهنم خالداً فیها قال الله تعالی لا تقتلوا انفسکم» هر کس عمداً خودکشی کند جایگاه او در آتش دوزخ ابدی است چون خداوند فرموده: خودکشی نکنید.^۲ مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان با عنایت به کلمه انفسهم و جمله پیشین در آیه بالا هم حرمت خودکشی و هم حرمت قتل نفس و کشتن غیر را استفاده کرده است.^۳

ایشان در ضمن با تمسک به عمومیت آیه، حرمت به‌خطر انداختن خود را نیز استفاده کرده‌اند. البته در برخی از تفاسیر در توضیح این آیه به دسته‌ای از روایات اهل بیت^(ع) اشاره شده که خویشتن را به مهلکه انداختن و جنگ کردن با اشخاصی که قدرت مقابله با آنها نیست جایز نمی‌باشد؛ تفسیر شده است.^۴



۱. نساء / ۲۹ و ۳۰

۲. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۳

۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۵۰۶ و ۵۰۷

۴. بحرانی، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۶۳

در این باره روایات متعددی وارد شده است که صاحبان این عمل، اهل جهنم قلمداد شده و بهشت برای آن ها حرام شده است. در ذیل به چند نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱. ابی ولاد می‌گوید: از امام صادق^(ع) شنیدم که فرمود: «هر کس عمداً خودکشی کند همیشه در آتش دوزخ خواهد بود»^۱.
۲. رسول خدا^(ص) فرمود: «کسی که به وسیله چیزی از دنیا خودکشی کند در روز قیامت به وسیله همان چیز عذاب خواهد شد»^۲.
۳. در روایات دیگر می‌فرماید: «کسی که خودش را خفه کند خویشتن را در آتش دوزخ خفه کرده است و کسی که به خودش نیزه زند در آتش باد»^۳.
۴. امام باقر^(ع) فرمودند: «مؤمن ممکن است به هر بلایی مبتلا شود و به هر نوع مرگ بمیرد اما خودکشی نمی‌کند»^۴.
۵. عمرو بن عبید بصری می‌گوید: «در یکی از جلسات امام صادق^(ع) شرکت نمودم، پس از ورود و عرض ادب شروع به خواندن این آیه نمودم که: «والذین یجتنبون کبائر الاثم»^۵ بعد از خواندن این آیه لحظه‌ای سکوت کردم، امام^(ع) فرمود عمرو چرا سکوت کردی؟ عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گناهان کبیره را برایم مشخص کنید. حضرت فرمود: ای عمرو! بزرگترین گناهان چند قسم است: شریک قائل شدن برای خداوند، ناامیدی از خداوند متعال، عاق والدین، کشتن نفسی که خداوند آن را حرام کرده است.^۶ از مجموع آیات فوق و سایر آیاتی که درباره حیات و لزوم حفظ آن در قرآن موجود است و مجموع روایات گذشته، این گونه برداشت می‌شود که خودکشی از نظر اسلام قبیح و از گناهان کبیره است و انجام آن حرام بوده و مرتکبین و فاعلین آن اهل دوزخند. در این میان گروهی از حنابله فردی را که اقدام به خودکشی می‌کند کافر می‌دانند و نماز میت را برای او واجب نمی‌دانند.^۷ و مبنای خود را در این باره حدیثی از پیامبر می‌دانند که درباره مردی که خودکشی کرد، حضرت از اقامه نماز بر او خودداری فرمود.

۱. شیخ صدوق، من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۵۷۱

۲. دارمی، سنن الدارمی، ج ۱۵، ص ۳.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۳۵

۴. عاملی، همان، ج ۲۹، ص ۲۴۰

۵. شوری / ۳۷

۶. شیخ صدوق، همان، ج ۳، ص ۳۷۳

۷. ابن قدامه، معنی، ج ۲، ص ۴۱۸



در حقیقت خودکشی در فرهنگ و تعالیم اسلامی نوعی عقب‌گرد و جداشدن از مسیر کمال و تعالی و سقوط در وادی حسرت و ناامیدی و شرک است و به همین جهت محکوم بوده و حرام اعلام شده است و با استناد به همین منابع فوق، تمامی فقهای امامیه نیز حرام بودن این عمل را بدیهی می‌دانند.

درباره علل و عوامل خودکشی نیز هم منابع دینی و هم علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی موارد بسیاری را ذکر کرده‌اند و تا حدود ۵۰ مورد را به عنوان علت و انگیزه انتحار معرفی کرده‌اند، که برخی از آنها عبارتند از: ضعف ایمان و اعتقاد دینی، ضعف معنویت و اخلاق دینی، توجه بیش از حد به خواسته‌های حیوانی، عوارض طبیعی و ... علاوه بر آن چه که گذشت آثار و عواقب انتحار و خودکشی نیز مثل سایر گناهان و ناهنجاری‌های اجتماعی دارای عواقب سختی است، چرا که در ظاهر از مشکلات دنیوی خلاص شده ولی طبق روایات، دچار عذاب اخروی گشته و علاوه بر آن باعث بروز مشکل در سطح خانواده و ایجاد نابسامانی‌های اجتماعی می‌شود.

همچنین در اصطلاحات بین‌المللی و سیاسی و تاکتیک‌های جنگی و نظامی امروز عمل انتحاری معنای دیگر می‌دهد و آن هم این است که شخص در این عمل برای دست‌یابی به یک هدف خاص در مرحله اول خود و در طبقات بعدی شخص یا اشخاص یا اهداف مادی و معنوی خاصی را از بین می‌برد یعنی در اینجا علاوه بر خودکشی بحث دیگرکشی نیز مطرح می‌شود و ملاک و معیار در آن رسیدن به نتیجه خاص و هدف معینی است، یعنی در این جهت فرد، هدف خود را بالاتر از حق حیات خویش و حق حیات دیگران می‌داند. که در حقیقت شکل دیگری از انتحار است و عملیات انتحاری نامیده می‌شود، که امروزه به طور گسترده‌ای در سطح جهان به طور سازماندهی شده یا فراسازمانی با انگیزه‌های گوناگون انجام می‌شود. که با واژگان دیگر، همان «اقدام به کشتن دیگران همزمان با قتل خویش» است. آماج اینگونه اقدامات اکثراً انسان‌های بی‌گناه و کسانی هستند که نقشی خاص در امور سیاسی و نظامی و غیره نداشتند.

به هر حال خود انتحار و خودکشی از نظر اسلام گناه کبیره و حرام است و در حقیقت ادله حرمت نفس قتل که همان آیات صریحه قرآن و روایات قطعی است شامل آن می‌شود.

تاریخچه عملیات انتحاری

بحث پیرامون تاریخچه عملیات انتحاری یک بحث طولانی، سلسله وار و به اندازه خود، موضوع پیچیده‌ای است، ولی آن چه که از لابه‌لای کتب تاریخی به دست می‌آید، این مسئله ریشه در تاریخ دارد و در مشرق زمین در حدود یک‌هزار سال قدمت دارد که البته در هر دوره‌ای بنا بر ملاک و معیاری این اقدامات انجام شده است. یکی از مشهورترین این



اقدامات و گروه‌ها به حرکت اسماعیلیان (حشاشین) به رهبری حسن صباح برمی‌گردد. او از جمله افرادی بود که یاران خود را با تشویق و ترغیب به بهشت، به عمل انتحاری تهییج می‌کرد. این گونه اعمال در دوره‌های مختلف تاریخی ادامه داشته است، ولی شاید بتوان از جمله بزرگ ترین نمونه‌های معاصر آن، به عملیات انتحاری ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا اشاره کرد، اگر چه درباره علل و عوامل، ونحوه وقوع آن صحبت‌های فراوانی وجود دارد و شواهد حکایت از دسیسه‌های پشت پرده خبر می‌دهد، ولی آن چه که اینجا اهمیت پیدا می‌کند تلقی عموم مردم جهان از این واقعه به عنوان یک عملیات انتحاری است. در این اقدام ۱۹ نفر مهاجم با به کنترل درآوردن ۴ فروند هواپیمای مسافربری، دو برج مرکز تجارت جهانی را منهدم و به موجب آن ۲۹۷۳ انسان را به قتل رساندند. نیز می‌توان به حملات انتحاری متروی شهر لندن انگلستان و حملات انتحاری که در زمان ما در شهرهای عراق و افغانستان انجام می‌شود، اشاره کرد. در کشور خودمان آن چه که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بر سلسله عملیات‌های انتحاری خود علیه اهداف دولتی و شهروندان ایرانی در طول سی سال گذشته انجام داده و آن چه که بعضی از مسلمانان افراطی اهل سنت علیه برادران هم کیش خود و یا شیعیان در عراق و سایر کشورها انجام می‌دهند. خلاصه اینکه در همه ادوار گذشته تاکنون چنین اقداماتی وجود داشته و همیشه پیرامون آن بحث‌ها و نظرات گوناگونی از لحاظ مسائل فقهی، حقوقی، سیاسی، نظامی و یا حتی جامعه شناختی مطرح بوده است.

انواع و علل خودکشی و دیگر کشی (عمل انتحاری)

این گونه اقدامات را می‌توان از جهات مختلف تقسیم‌بندی کرد، ولی در عملیات انتحاری مهم‌ترین مقسم را شاید بتوان هدف نامید. گاه این عمل با در نظر گرفتن هدف مشخص یعنی فرد یا افراد و مکان و یا موضوع خاص و معین انجام می‌شود، که فرد منتحر در این نوع خاص، به قصد صدمه زدن و ضرررسانی و بهره‌برداری‌های عمومی دیگر به یک طیف خاص حمله می‌کند.

گاه فرد بدون در نظر گرفتن هدف و مقصد مشخص دست به این عمل می‌زند که عموماً هدف این افراد، انسان‌های بی‌گناه و غیرمرتبط با موضوع خاص منتحر است و اغلب برای به هم ریختن و ناامن کردن فضای سیاسی و اجتماعی و ایجاد وحشت عمومی و دست یابی به موضع قدرت می‌باشد که تحقیقاً این نوع، مصداق محاربه می‌باشد و افساد فی الارض است، چرا که تحقیقاً در طی چنین عملیاتی هم مراکز و ساختمان‌ها و وسائط و وسایل مادی انسان‌ها و جان آنها از بین می‌رود، و این همان مصداق اعلای خودکشی و دیگرکشی در اسلام است که تحریم شده است. در بخش‌های بعدی به منابع آن می‌پردازیم.

مشکل عمده‌ای که در اینگونه عملیات‌های انتحاری، خودنمایی می‌کند، برجستگی است که صاحبان این اندیشه و برنامه‌ریزان این‌گونه از اقدامات به آن الحاق می‌کنند و آن چیزی نیست جز اینکه این عملیات‌ها را دارای صبغه دینی و عقیدتی بر مبنای دستورات دینی اعلام می‌کنند و انگشت اتهام را به سوی مسلمانان و اسلام می‌گیرند.

از جمله عواملی که سبب می‌شود شخص منتحر تصمیم به چنین عملی بگیرد، با توجه به خصوصیت آخری که در گذشته به آن اشاره کردیم که همان صبغه دینی بودن آن است، عدم آگاهی و اطلاع کافی از مسائل دینی و عدم آشنایی با روح اسلام است، زیرا دینی که برای سعادت دنیا و آخرت انسان نازل شده، دینی که حق حیات را همانطور که در مباحث اولیه مطرح کردیم اساسی‌ترین حق می‌داند، دینی که جای جای آن توصیه به سازندگی و امید به زندگی است، دینی که در آن به صراحت بیان شده که «خویشتن را به دست خویش به هلاکت میندازید»^۱ و یا فرموده که «هر کس انسانی را به جز قصاص یا کیفر افساد در زمین بکشد گویی همه‌ی مردم را کشته است»^۲ و دینی که در آن از افراط و تفریط منع شده و کسی را که متعمداً انسانی را بکشد داخل در عذاب ابدی جهنم می‌داند.^۳ چطور می‌تواند تشویق‌کننده و تأیید کننده چنین عملی باشد و این همان عدم درک صحیح از مفاهیم دینی و عدم آگاهی و اطلاع از احکام الهی است.

از دیگر عوامل این نوع از حرکات عدم آشنایی با مسائل سیاسی روز و تغییرات و اوضاع و احوال جهان به ویژه جهان سیاست و عدم درک واقعیات پشت پرده و پردسیسه قدرتمندان در عرصه حکومت است. یکی دیگر از این سلسله مراتب علل را می‌توان تبلیغات غیرواقعی و سطحی و عوام‌فریبانه دسته‌ای از علمای متعصب و مقدس‌مآب و ظاهرنا دانست، که به جای ارائه واقعیات‌های دینی و مذهبی و اهداف والای اسلام، شروع به پرورش شاگردان و هم مسلکان متعصب می‌کنند که نتیجه آن این‌گونه اقدامات غیرمعقول و بدون هدف در برخی از کشورهای اسلامی، مثل عراق و افغانستان و ایجاد دعواهای فرقه‌ای و مذهبی و ایجاد چند دستگی و اختلاف در میان امت اسلام است. از جمله عوامل دیگر می‌توان به فقر اقتصادی، گرسنگی، بیکاری اشاره کرد، که خود محرکی اساسی در بروز این عملیات‌های انتحاری است که شخص با دریافت مبلغی برای خانواده خود تمام عواقب مادی و معنوی این کار را برعهده می‌گیرد. در این ارتباط می‌توان ده‌ها عامل دیگر را برشمرد.

۱. بقره / ۱۹۵

۲. مائده / ۳۲

۳. نساء / ۹۳

دیدگاه شریعت پیرامون عمل انتحاری

همانطور که در مباحث ابتدایی این بخش گفته شد، عمل انتحاری به معنی خودکشی به همراه دگرکشی است و طبق ادله ای که از آیات و روایات در همان جا آورده شد، انتحار و خودکشی از دیدگاه قرآن مطلقاً حرام است و کشتن دیگران نیز که اکیداً منع شده، شامل این حکم شده چرا که قرآن صریحاً قتل نفس را تحریم کرده، چنان که در آیه شریفه آمده است: «آنان انسانی را که خداوند ریختن خونس را حرام شمرده - جز به حق - نمی‌کشند»^۱ و در جای دیگر آمده «کسی که فرد مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ است و جاودانه در آن می ماند و خداوند براو خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و برای او عذاب بزرگی آماده می کند»^۲ و آیات دیگر نیز مؤید همین معنا است.^۳ احادیث بسیاری نیز به این معنا درباره خودکشی و دیگرکشی به دست ما رسیده و این امر بین تمام مذاهب مشترک بوده است.

مکتب اسلام با توجه به دستوراتی که پیرامون جهاد دارد و توصیه‌هایی که در این ارتباط کرده خود مؤید این معناست که شریعت اسلام برای حقوق انسان‌ها و حق آزادی و حیات آنها احترام ویژه‌ای قائل است. چنان که کشتن زنان و اطفال را حتی در میدان جنگ منع کرده است و احراق و مثله کردن را از اعمال جاهلی دانسته و به شکل تام تهی کرده و در جای دیگر کشتن اسیر و آزار رساندن به او را منع کرده است. بنابراین مسلم است که عمل انتحاری عموماً علیه انسان‌های بی‌گناه بوده و همان خودکشی بدون جهت شرعی است و ادله حرمت قتل نفس کاملاً بر آن سازگار و منطبق است.

در اینجا بررسی مفاهیم زیر نیز از اهمیت زیادی برخوردار است: وجوب دفاع:

حق دفاع در مقابل تجاوزات به جان، آزادی، عرض و ناموس و مال از حقوق طبیعی هر انسان است، و وضع مقررات در این زمینه هم با اصول و مبانی حقوق اسلامی و هم با حقوق اروپایی هماهنگی دارد. در حقیقت دفاع مشروع از عوامل موجهه جرم است، یعنی عملی که در حالت عادی مصداق جرم است و مرتکب، مستحق مجازات بنا بر وارد شدن در حیطة دفاع مشروع، این عمل موجه بوده و نه تنها مذموم نیست بلکه به عمل پسندیده‌ای تبدیل می‌شود.

۱. فرقان / ۶۸

۲. نساء / ۹۳

۳. مائده / ۳۲؛ انعام / ۱۵۱



معنای لغوی و اصطلاحی دفاع مشروع

در بحث دفاع مشروع اولین مطلب که باید به آن پرداخت آشنایی با تعریف لغوی و اصطلاحی آن است. در تعریف لغوی دفاع مشروع به طور خلاصه معنای ترکیبی آن دفع خطر یا تجاوز است که این دفع از نظر شریعت مجاز و مباح است. در تعریف اصطلاحی آن همان طور که شیوه‌ی فقها در اکثر موارد است ایشان بدون ارائه تعریف شرح اللفظی به بیان احکام و مصادیق می‌پردازند و آنچه که اینجا کاملاً واضح است ارائه تعریف و مبانی این بحث توسط حقوق دانان اسلامی کاملاً منطبق بر متون فقهی و قاعده کلی است که با همین عنوان در فقه دیده می‌شود. ولی با این حال تعاریف گوناگونی توسط حقوق دانان مسلمان و فقها ارائه شده که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم.

باتوجه به اکثر کتب فقهی برای دفاع مشروع تعریفی نیامده است ولی آن چه که می‌توانیم بگوییم چنین است؛ محقق حلی نوشته است: «حق مسلم انسان است که از جان، حریم و مالش تا جایی که توان دارد دفاع کند و در این راه باید مراتب را طی کرده و از آسان‌ترین شیوه استفاده کند پس اگر با فریاد شد به همان اکتفا کند بعد با دست دفاع کند و سپس با عصا و چنان که محقق نشد با اسلحه می‌تواند دفاع کند و اگر متجاوز کشته شود خونس هدر است و مدافع در صورت کشته شدن شهید است»^۱. شهید ثانی نیز رعایت رعایت ترتب در جهت سختی را در دفع متجاوز شرط دانسته اند.^۲

صاحب جواهر نیز مقتضای اطلاق نصوص را آن دانسته‌اند که در دفع تجاوز رعایت ترتیبی که برخی از فقهایان ذکر کرده‌اند لازم نیست به خصوص در دفع محارب و دزد.^۳ به کارگیری قدرت لازم برای دفع خطر حال (بالفعل) غیر مشروع که حق مورد حمایت قانون را تهدید کند.^۴

دفاع مشروع دفع زور به وسیله زور است. حقی است که قانون آن را به کسی داده که خطر تجاوز او را تهدید می‌کند تا با نیروی لازم از آن جلوگیری کند و توانایی برای دفع تجاوز قریب الوقوع و ناحقی که نفس، عرض، ناموس و آزادی تن خود یا دیگری را به خطر انداخته.^۵ به کارگیری هر قوه‌ای که در شرع یا قانون جهت دفع و از بین بردن خطر تجاوز دشمن مباح و مجاز می‌باشد.^۶ نیز مبانی و پایه‌های اصلی دفاع مشروع در قانون اساسی نیز

۱. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۹۶۶

۲. شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۹، ص ۳۴۸

۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۵۱

۴. عوده، التشریح الجنایی، ج ۱، ص ۴۷

۵. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ص ۱۹۷

۶. شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۰۲



مطرح شده است که می‌توان آنها را در اصول ۱۹، ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۴۰، ۴۷ قانون اساسی یافت و نیز ضوابط و شرایطی که در دفاع مشروع باید رعایت شود در مواد ۶۱ به بعد ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ و مواد ۹۲ به بعد قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ معین شده است.

البته در این میان نظرات دیگری نیز مبنی بر تحریم و جرم بودن دفاع مشروع و یا مقید کردن آن به دفاع از نفس و منحصر کردن آن در موارد خاص نیز وجود دارد که برای جلوگیری از زیاده‌نویسی به آنها اشاره نمی‌کنیم ولی آنچه که در نهایت می‌پذیریم مشروع بودن و قانونی بودن این امر در نزد عموم علمای فقه و حقوق است. تا به وسیله آن پایه بحث خود را در دفاع استشهادهای محکم کنیم.

تاریخچه و قلمرو دفاع مشروع

همانطور که بیان شد، دفاع از خویش از سرشت آدمی سرچشمه می‌گیرد و در تاریخ جوامع بشری کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که دفاع در برابر تجاوز غیرعادلانه را به گونه‌ای مجاز ندانسته باشد. باید بدانیم که این اصل از کهن‌ترین دورانها، مورد پذیرش یونانی‌ها، بابلی‌ها، روس‌ها، هندی‌ها و ... بوده است و یکی از اصول حقوق طبیعی در نظر گرفته می‌شد. این روند تا قرون وسطی ادامه داشته ولی از آن به بعد تحت تعالیم مسیحیت، دفاع از خود مشروعیتش را از دست داد و مرتکب آن مستحق کیفر شناخته شد که باید طلب عفو می‌کرد. این وضع تا قبل از اواخر قرن هجده ادامه داشت؛ چنان‌که دافع، مجرم محسوب می‌شد ولی از اواخر قرن هجده، قوانین فرانسه، آلمان، بلژیک و غیره عمل دفاع مشروع را، رافع مسؤولیت کیفری شمردند. ولی در اسلام از همان آغاز دفاع مشروع نه تنها رافع مسؤولیت بلکه فاقد وصف مجرمانه و فراتر از آن یک تکلیف شرعی شناخته شد ولی آنچه که مبنای این قاعده قرار گرفت در میان نظرات مطرح در حقوق موضوعه، نظریه نفع اجتماعی مقبول‌ترین نظریه معرفی شده، و از نظر فقه اسلامی نیز، مصلحت ذاتی دفاع و مفسده تهاجم غیرمشروع مبنای نظریه مشروعیت دفاع از خود شناخته شده است.

منابع دفاع مشروع

با مطالعه متون فقه استدلالی، روشن می‌شود که آرای فقها بر منابع متن استنباط احکام استوار بوده و از ادله اربعه در استدلال به آن کامل بهره‌مند بوده‌اند.

آیات

در بخش آیات قرآن، دو آیه موجود است که به گونه‌ای مؤید دفاع مشروع است:
آیه اول، آیه ۱۹۳ بقره که خداوند متعال می‌فرماید:



«پس هر کس بر شما تجاوز کرد شما نیز بر او تجاوز کنید مانند همان تجاوزی که بر شما کرده است.»

طبق نظر عده ای اگرچه این آیه به طور صریح دلالت بر مشروعیت اقدام متقابل دارد، اما به دلالت التزامی مشروعیت دفاع را نیز بیان می‌کند.

آیه دوم، آیه ۱۹۵ بقره که خداوند متعال می‌فرماید:

«در راه خدا انفاق کنید و خویشتن را به دست خویش به هلاکت میندازید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

یکی از دلایلی که شیخ طوسی برای اثبات نظر خود در مورد دفاع مشروع آورده این آیه است.^۱ طبق این استدلال، عدم دفاع از خویش در برابر مهاجم، هلاک کردن نفس خود به دست خویشتن است.

روایات

در روایات نیز احادیث فراوانی در مشروعیت دفاع وارد شده که بیشتر آنها صحیح و معتبر است در اینجا به برخی از این احادیث که متواتر است اشاره می‌کنیم.

هفده حدیث فقط در *وسائل الشیعه* در باب جواز کشتن محارب، دزد و ظالم و جواز دفاع از نفس، مال اگرچه کم و با وجود کشته شدن مدافع آمده است و شش حدیث دیگر نیز در مستدرک در تفصیل احکام دفاع مشروع آمده است.^۲ چهارده حدیث نیز در *فروع کافی* تحت عنوان «دفاع از نفس، اهمیت کشته شدن در دفاع از حقوق خود و جواز کشتن دزد» آمده است.^۳

«کسی که در حال دفاع از اهل و عیال خود کشته شود، شهید است.»

«کسی که در دفاع از مال خود کشته شود شهید است.»^۴

«من قتل دون مظلّمه فهو شهید» «کسی که بی‌گناه کشته شود، شهید است.» امام محمدباقر^(ع) در ادامه حدیث، دون مظلّمه را به کشته شدن در حال دفاع از اهل و مال و سایر حقوق «و اشباه ذلک» تفسیر می‌کند.^۵

۱. شیخ طوسی، خلاف، ج ۵، ص ۳۴۶

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۹۷

۳. کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۵۲ و ج ۷، ص ۲۹۶

۴. عاملی، همان، ج ۱۱، ص ۹۲

۵. همان جا



دلیل عقل

در دلیل عقل نیز دفاع از اهل و مال و نفس از بارزترین مصادیق دفع ضرر است که عقلاً واجب است. و شیخ طوسی وجوب دفاع از خویش را از ضروریات عقل می‌داند.^۱

دلیل اجماع

در دلیل اجماع می‌توان با قطع به طور کامل ادعا کرد که هیچ فقیهی در این زمینه تردید نکرده و صاحب جواهر^۲ نیز با قاطعیت ادعای اجماع در آن، در دفاع از نفس و دفاع از حریم و مال را مطرح کرده است.

خصوصیات و ضوابط دفاع مشروع

آن چه که باید در بحث دفاع مشروع مورد دقت قرارگیرد مواردی است که باید در هنگام این عمل توجه شود که خلاصه آن به شرح زیر است:

۱. دفاع درمقابل تهاجمی مجاز است که شرایط زیر را داشته باشد:
 - الف. فعلیت داشته باشد و یا این که قریب الوقوع باشد.
 - ب. غیرعادلانه و بر خلاف حق باشد.
 - ج. حمله می‌تواند بر علیه خود شخص یا دیگری باشد.
 - د. حمله ممکن است علیه نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن باشد.
۲. و عمل قربانی در صورتی دفاع مشروع محسوب می‌شود که دارای شرایط زیر باشد:
 - الف. ضرورت داشته باشد و راهی جز توسل به زور وجود نداشته باشد. از نگاه فقه شیعه اگر با فرار از جنگ متجاوز، فریاد، و ... دفع تجاوز ممکن باشد، مدافع نباید از زور استفاده کند.^۳

ب. دفاع متناسب با حمله باشد. زیرا از لحاظ کمیت و کیفیت، در حقوق داخلی و بین المللی و فقه روی آن تأکید شده است. شهید ثانی در این باره نوشته است: اگر متجاوز از تجاوز خودداری کرد، مدافع نیز دست بردارد. اگر شروع کرد، دفاع کند. بنابراین اگر متجاوز رو به مدافع حمله کرده و دستش را قطع کند، ولی به زمانی که پشت کرده، پایش را قطع کند و در نتیجه متجاوز بمیرد، مدافع ضامن نصف قصاص یا دیه است. و اگر دوباره متجاوز برگردد و مدافع عضو دیگری را قطع کند، ضامن به ثلث، تنزل می‌کند.^۴

۱. شیخ طوسی، همان، ج ۵، ص ۳۴۶

۲. نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۶۵۰

۳. محقق حلی، همان، ج ۴، ص ۲۹۲

۴. شهید ثانی، همان، ج ۵، ص ۲۵۰



ج. بیش از حد ضرورت نباشد. آن چه که باید مدنظر واقع شود این است که دفاع مشروع در فقه اسلامی، بر خلاف قوانین موضوعه عرفی که فقط شامل دفاع از نفس می‌شود، قلمرو وسیعی دارد و شامل دفاع از جان، مال، ناموس، شخص ثالث و حتی اموال و نوامیس اشخاص ثالث و اموال عمومی نیز می‌شود. ولی نهایت امر این است که مدافع، ناگزیر است که در مقام دفاع از خود بودن را اثبات کند و در این بحث بین فقه و حقوق اختلافی نیست.

اعمال در حکم دفاع مشروع

علاوه بر موارد و ضوابطی که در بالا مشروعیت دفاع را در برابر هجمه، توجیه می‌کند، مواردی نیز وجود دارد که علی‌رغم فقدان برخی از شرایط لازم برای تحقق دفاع مشروع (از جمله دفاع مسبوق به تعرض نسبت به نفس، عرض، ناموس، مال) مع‌هذا رفتار شخص به موجب قانون در حکم دفاع مشروع شناخته شده است.

۱. از مصادیق اعمال در حکم دفاع مشروع مفاد ماده ۶۲۹ ق.م.ا. (تعزیرات) است که مقرر می‌دارد؛ در موارد زیر قتل عمومی، به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد، مجازات نخواهد داشت:

الف. دفاع از قتل یا ضرب و حرج شدید یا آزار شدید یا دفاع از هتک ناموس خود و اقارب.

ب. دفاع در مقابل کسی که در صدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید.

۲. معافیت مرتکب قتل و جرح و ضرب از مجازات در مقام دفاع از مال به حکم دادگاه.

۳. قتل سارق مسلح و قطاع‌الطریق که شامل دفاع در مورد راهزنی در راه‌ها و شوارع و سرقت با اسلحه و دفاع در مقابل سارق مسلح در غیر راه‌ها و شوارع؛ با این بیان و آشنایی کلی با موضوع دفاع مشروع به ادامه بحث می‌پردازیم تا در جای مناسب با استدلال به آن به نتیجه مدنظر دست‌یابیم.

عملیات استشهادی

عملیات استشهادی واژه‌ای است که امروزه در سطح بین‌الملل به عنوان یک ابزار و شیوه‌ی دفاعی شناخته شده است. امروزه این عمل از دید عده‌ای از علمای مذهبی، سیاسیون، حقوقدانان و عامه مردم مورد انتقاد قرار گرفته است و تبلیغات رسانه‌های ارتباط جمعی غرب نیز که آن را معادل عمل انتحاری معرفی می‌کنند، بر این فکر دامن زده است که این اقدام خود نوعی عمل انتحاری است که مورد نفرت عمومی است و اسلام آن را نهی کرده و در حقیقت نوعی از تروریسم است.



به همین علت به بررسی این واژه و این نوع اقدامات می پردازیم تا جایگاه آن را در فقه و شریعت مشخص کنیم و بدانیم که اساساً چنین عملی مشروع است و به طور کلی با عمل انتحاری متفاوت است یا خیر؟

همان طور که پیش از این اشاره شد این عمل نوعی ابزار و روش دفاعی است که عده‌ای از مجاهدین برای جلوگیری از نفوذ دشمنان و اشغالگران استفاده می‌کنند. دفاع در برابر دشمن امری طبیعی و عقلانی است که مورد تأیید تمامی فرق و مسلک‌های حقوقی است و حضرت باریتعالی نیز به همین دلیل به هر موجود زنده ای ابزار دفاعی داده است، انسان نیز از این مسأله مستثنی نبوده و به فراخور حال و مکان از شیوه‌های دفاعی مختلف استفاده کرده و می‌کند.

استشهاد در لغت به معنی شاهد آوری، شهادت، مرگ قهرمانانه^۱ است و آن معنا که در این بحث مدنظر است همان دو معنای آخر است. این کلمه ترکیبی «عملیات استشهادی» در اصطلاح به معنای شیوه و روش جدید برای دفاع و مقاومت و روبرو شدن با دشمن است که شخصی که این اقدام را انجام می‌دهد خود آگاه است که در این راه جان خود را از دست می‌دهد. آنچه که باید قبل از وارد شدن به بحث به آن بپردازیم. بحث دفاع و دفاع مشروع است که یکی از قواعد فقهی و جزایی بوده و مقبول همه است، که در بحث استشهاد در عملیات استشهادی به آن می‌پردازیم. همانگونه که در اکثر کتب فقهی مطرح شده است، فقه شیعه، جهاد ابتدایی را با مشرکان در دوران غیبت منع کرده و این نظر اکثر فقهاست. جهاد ابتدایی با مشرکان و کفار تنها در صورت وجود امام معصوم^(ع) یا نائب خاص او که برای خصوص جهاد یا اعم از آن منصوب شده است واجب می‌شود. اما نایب عام، مانند فقیه جامع‌الشرایط نمی‌تواند در عصر غیبت جهاد ابتدایی را عهده‌دار گردد و جواز سایر اقسام جهاد نیز که حالت دفاعی دارند نیز منوط به اذن فقیه نیست.

با توجه به سلسله مطالبی که از ابتدای این بخش، در ارتباط با انتحار (خودکشی) و دگرکشی و تحریم آن و نیز تحریم عملیات انتحاری و بحث دفاع مشروع و جواز آن مطرح شد و نیز آنچه که در نفی ترور و تحریم غدر از جانب فقه شیعی آمده است در این جایگاه پرداختن به موضوع عملیات استشهادی لازم به نظر می‌رسد.

تحلیل‌ها و تفسیرهایی که امروزه به ویژه در ادبیات و دیپلماسی سیاسی و نظامی غرب پیرامون دفاع استشهادی و عملیات استشهادی مطرح می‌شود غالباً مترادف و همسان با تروریسم انتحاری است. که مخالف برداشت ما از این کلمات است. با توجه به آنچه که در تحریم عملیات انتحاری در پیش از این گفتیم، فقه شیعه از یک طرف خودکشی را



تحریم کرده آن هم به طور مطلق و از جهت دیگر برای فتک و ترور جایگاهی باز نکرده است.

مفهوم عملیات استشهادی

این اقدام در معنای عام و رایج آن به عملی گفته می‌شود که فردی به جهت قصد قربت و با توجه به این که یقین دارد کشته می‌شود به جهت ضربه زدن به دشمن و با فرض این که راه دیگری وجود ندارد، به این عمل مبادرت می‌ورزد و در این راه کشته می‌شود. این عمل از جهاتی شبیه به انتحار و خودکشی است که مباحث آن را در ابتدا به طور کامل آوردیم، و ادله تحریم آنها را نیز ذکر کردیم. در اینجا ما به بررسی ادله‌ای که به نظر می‌رسد عملیات استشهادی را با شرایطی که در تعریف آمده است، می‌پردازیم و پیرامون مشروعیت آن مطالبی را بیان می‌کنیم.

ادله مشروعیت عملیات شهادت طلبانه یا استشهادی

در ارتباط با ادله ابتدا به بررسی آیات قرآن و بعد از آن به روایات می‌پردازیم.

۱. آیات:

مهم‌ترین دسته آیاتی که به ما در این باره کمک می‌کند آیات مربوط به جهاد در راه خداست. البته با توجه به مباحثی که در موضوع جهاد و لزوم جهاد و انواع جهاد از دفاع ابتدایی و شرایط هر کدام به آن‌ها پرداخته شده است. در جهاد مؤمنان در راه تلاش و مبارزه با دشمنان خدا جان و مال خویش را بذل کرده و با خدا معامله می‌کنند و بهشت جاویدان الهی را نصیب خویش می‌کنند که شاید این عناوین را بتوان تا حدودی با آن چه که در آیات مرتبط با جهاد آمده است با استشهادیون مطابق ساخت. که از جمله آیات جهاد، عبارتند از: آیه ۱۱۱ سوره توبه که خداوند متعال می‌فرماید:

«خداوند از مؤمنان جهانپیشان و اموالشان را خریداری کرده که بهشت برای آنان باشد، در راه خدا پیکار می‌کنند می‌کشند و کشته می‌شوند. این وعده حقی است که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است، اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این پیروزی بزرگی است.»

و یا آیه ۲۰۷ سوره بقره که می‌فرماید:

« بعضی از مردم جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشند و خدا نسبت به بندگانش مهربان است.»

و یا آیه ۴۱ سوره توبه که خداوند متعال می‌فرماید:



«... با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد نمایید این به نفع شماست اگر بدانید».

در هر سه آیه بالا، اشاره به عناوینی چون «جانهایشان و اموالشان را خریداری کرده» و «می کشند و کشته می شوند» و «جان خود را در برابر خشنودی خدا می فروشند» و «با جانها و مالهایتان جهاد کنید» است. این تعبیر را شاید به وضوح بتوان برای استشهدادیون که در حقیقت در نوعی از جهاد دفاعی به سر می برند، نیز به کار برد، چرا که اینها نیز در برابر دشمن متجاوز از جان و مال خود گذشته و حقیقتاً به معامله با خداوند می پردازند و با قصد قربت الهی به شهادت می رسند. و شاید بتوان گفت، اطلاق جمله جهاد فی سبیل الله شامل آنها نیز می شود.

و یا آیه شریفه ۶۰ سوره انفال که باری تعالی می فرماید:

«در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید»

این آیه نیز امر می کند که در برابر دشمنان همواره آماده باشید و استراتژی بازدارندگی را ترویج می کند. حال این بازدارندگی با تدارکات جنگی حاصل می شود و یا هر چیزی که در معنا و مفهوم «قوه» واقع شود. و آن چه که در عملیات استشهدادی مدنظر واقع می شود همین سلب امنیت از دشمن و ایجاد هراس در وی به جهت جلوگیری از تجاوز است.

۲. روایات:

در این باب شاید بتوان اطلاق روایاتی را که در فضیلت جهاد در راه خدا و شهادت و فضیلت شهادت وارد شده است مورد استناد قرار داد. موضوع این روایات در باب مبارزه و جهاد با دشمنان خدا و خویشان (حکومت اسلامی) است.

برخی از این روایات عبارتند از:

- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «محبوب ترین قطره نزد خدای سبحان قطره خونی است که در راه خدا به زمین می ریزد».^۱

و احادیثی که در باب عشق و علاقه اولیای الهی به شهادت است. آن چنان که آمده است:

- حضرت علی (ع) فرموده اند: «به خدا سوگند برای من که فرزند ابوطالب هستم عشق و علاقه به مرگ و شهادت بیش از علاقه کودک شیرخوار به پستان مادر است».^۲



پس موضوع شهادت طلبی و شوق به مرگ امری مذموم نبوده بلکه امری والا و پسندیده است چنان که در راه اهداف الهی و مشروع و مبارزه با دشمنان خدا و در راه تعالی اسلام باشد.

۳. وجوب دفاع

یکی از محکم‌ترین ادله در بحث مشروعیت عملیات استشهادی بحث وجوب دفاع، جهاد دفاعی و دفاع مشروع است که پیشتر به طور کامل به تشریح دفاع مشروع پرداختیم. فقها در کتاب جهاد پیرامون جهاد دفاعی و دفاع از جان و مال و ناموس و سرزمین اسلامی که مورد تهاجم دشمن قرار گرفته هیچ شرطی قائل نشدند، برخلاف جهاد ابتدایی که وجوبش مشروط است و بر همه واجب است به هر نحو ممکن از جان و مال و ناموس خود دفاع کنند^۱. و اگر در این راه کشته شوند، شهیدند و اذن امام هم شرط نیست.

اصولاً عملیات استشهادی نیز جنبه دفاعی دارد و برای جلوگیری از تهاجم دشمن، پیشروی و پیروزی او در سرزمین اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنان که آیه شریفه ۱۹۴ بقره می‌فرماید: «هر کس به شما تجاوز کرد همانند آن بر او تعدی کنید و از خدا بپرهیزید چرا که خدا با پرهیزکاران است».

مرحوم فاضل لنکرانی فرموده‌اند: «اگر انسان، احتمال دهد یا بداند که دفاع او از جان خود یا بستگان خود منجر به کشته شدن خودش خواهد شد، باز هم دفاع، جایز بلکه واجب است^۲». البته این دفاع هم در قالب جهاد دفاعی باشد، که در صورت وقوع بر همه واجب است و یا در قالب دفاع مشروع می‌باشد. برخی از نویسندگان هم از این باب، دفاع استشهادی را با رعایت ویژگی‌های جهاد دفاعی و دفاع مشروع همان طور که گذشت پذیرفته‌اند^۳. البته در این راه شاید بتوان به قاعده اضطرار نیز استناد کرد با توجه به اینکه محدوده قاعده ضرورت ضیق است و فقط در محدوده زمان و مکان و موقعیتی است که هیچ راه حلی نبوده است

نکته مهم: (قانون اهم - ضرورت - اضطرار)

در ادله مشروعیت عملیات استشهادی اشاره به این نکته ضروری است و آن توجه به قانون اهم است.

۱. رک به باب جهاد اکبر کتب فقهی - نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۱۴ تا ۱۷

۲. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۸۱

۳. برجی، "تروریزم از نگاه فقه"، فصلنامه طلوع، شماره ۳ و ۴



یکی از عوامل موجهه جرم، ارتکاب عملی است که برای اجرای قانون اهم لازم باشد؛ بنابراین هرگاه انجام وظایف شخصی مستلزم به کار بردن و انجام عملیات و اقداماتی باشد که در نتیجه آن ها به منافع غیر لطمه وارد شود، در شرایطی که اعمال مزبور در وضع عادی جرم تلقی شود، ارتکاب همان اعمال در اجرای قانون اهم نسبت به مرتکب، جرم تلقی نمی‌شود. مصادیق اجرای قانون اهم، عبارتند از: تخریب در جهت اطفای حریق و نجات دیگری، سلب آزادی به منظور نجات دیگری و یا موارد دیگری که البته توجه به ضوابط خاص آن نیز ضروری است؛ از قبیل اولویت مقام شارع و مقنن، اولویت ارزش‌های مورد احترام، به هر حال در عملیات استشهادی نیز برای اجرای قانون اهم، طبق شرایطی که قبلاً نیز ذکر شد، از بین بردن خود یا دیگری طبق ضوابط معین و خطوط قرمز، جایز است.

از دیگر قواعدی که باید به آن پایبند بود و می‌توان در این بحث بر آن تأکید کرد، قاعده ضرورت و اضطرار است. در ضرورت ممکن است انسان برای حفظ جان یا مال خود یا دیگری ضرورتاً مرتکب عمل مجرمانه‌ای شود که تحت شرایطی، مرتکب در مقام ضرورت، مستوجب کیفر نمی‌باشد و قانونگذار مرتکب جرم معینی را هنگام بروز خطر شدید، معاف از کیفر می‌داند. البته ضرورت ناشی از خطر عوامل بیرونی و محیطی است و از این جهت با اضطرار تفاوت دارد.

در حقوق روم و ژرمن براساس ضرب‌المثل «ضرورت قانونی نمی‌شناسد»، حالت ضرورت مترادف با اضطرار و از عوامل رافع مسؤولیت کیفری تلقی می‌شود، و نیز بر حسب قانون کلیسا در قرون وسطی سارق مواد غذایی در قحطی مجازات نمی‌شد. حقوق اسلام نیز قواعد ضرورت و اضطرار را پذیرفته و قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» را از قواعد مسلم فقه دانسته است. که هم ضرورت و هم اضطرار نیز شرایط خاص خود را دارد.^۱ با تکیه بر این اصول کلی راحت‌تر می‌توان مشروعیت عملیات استشهادی با توجه به سایر مبانی را پذیرفت.

عملیات شهادت طلبانه و آرای فقهای معاصر^۲

تعدادی از فقهای معاصر شیعه و سنی به این سؤال که آیا عملیات استشهادی عملی مشروع است؟ پاسخ گفته‌اند و اکثراً با شرایطی این اقدام را علیه دشمنان جایز دانسته‌اند و

۱. جعفری لنگرودی، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، ص ۱۲۵

۲. محقق داماد، قواعد فقه بخش جزایی، ص ۱۲۱

۳. اقتباس از: «مشروعیت عملیات استشهادی از دیدگاه فقهای معاصر شیعه و اهل سنت»، فصلنامه باران

اندیشه، ش ۷، ص ۱۰۹ تا ۱۱۵



اکثرأ حول محور مشروعیت این اقدام، شرایط این نوع عملیات و تفاوت آن با انتحار و عملیات انتحاری و تروریستی نظر داده‌اند.

امام خمینی^(۶) درباره شهید حسین فهمیده فرمودند: «رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را به زیر تانک انداخت و آن را منهدم کرد و خود نیز شربت شهادت نوشید.» این فرمایشات به طور قطع تأیید کننده عمل او و در نهایت مؤید عمل استشهادی بوده است. در جای دیگر امام در پاسخ به سؤالی پیرامون یورش نظامی اشغالگران به کشورهای اسلامی و اشغال نظامی آن و دفاع مردم مسلمان از سرزمین خود با توجه و علم به این مطلب که برای آنها مصائب به بار خواهد آورد و حتی منجر به شهادتشان خواهد شد فرموده اند که دفاع واجب است و بر مسلمانان لازم است آنها را کمک کنند. طبق این پرسش و پاسخ ایشان، در صورت یقین به شهادت هم، دفاع در برابر اشغالگر را واجب می‌دانند. که البته این دفاع نیز انواع مختلفی دارد که در جایگاه خود از آن بحث به عمل آمده است.

در یکی از استفتائات از آیت الله لنگرانی^(۷) سؤال شده است: «آیا جایز است که برای کشتن دیگران دست به انتحار بزنیم، مثل عملیات های انتحاری ملت فلسطین؟ پاسخ ایشان چنین است:

«مسئله فلسطین مسئله دفاع و دفاع از خود و حریم و ناموس و کیان اسلام است به هر نحوی که باشد جایز است». ایشان در جای دیگر می‌نویسند: «اگر انسان احتمال دهد یا بداند که دفاع او از جان خود یا بستگان خود منجر به کشته شدنش خواهد شد، باز هم دفاع جایز است بلکه واجب است ولی نسبت به مال، اگر می‌داند که دفاع او از مال منجر به کشته شدنش می‌شود دفاع واجب نیست و احوط ترک است»^۱.

در جای دیگر سؤال شده است که: مدتی قبل یک فلسطینی در یک پاساژ اسرائیلی با انفجار خود دست به انتحار می‌زند آیا طبق قوانین جهاد در اسلام، جایز است فردی دانسته زنان و کودکان را بکشد؟ ایشان در جواب نوشته‌اند: اگر دزدی به حریم خانه‌ی کسی تجاوز کرد با او مقابله می‌کنند اگر چه با زن و فرزند آمده باشد. اما در جواب سؤال شما، باید توجه داشته باشیم... لکن از نظر اسلامی، لازم است مجاهدین فلسطین با نظامیان اسرائیلی و غیرنظامیانی که پشتیبانی و حمایت از آنان می‌کنند مبارزه و جهاد کنند»^۲.

در فتوای ایشان دو نکته مهم واقع شده است:

۱. فاضل لنگرانی، همان، ج ۲، ص ۴۸۱

۲. همان، ص ۲۹۴

۱. ایشان عملیات انتحاری را در جهت قتل شهروندان و غیرنظامیان تأیید نمی‌کنند بلکه فقط در مقابل نظامیان و حامیان مستقیم اشغالگری آنها جایز می‌داند و آن را تحت ادله دفاع مشروع می‌برد.

۲. جواب استفتاء از ایشان بر مبنای ادله دزد متجاوز (لص محارب) داده شده که در روایات بسیاری از آن سخن به میان آمده و ویژگی‌هایی برای لص محارب ذکر شده است. براساس روایات این باب در اکثر کتب^۱ فقهی که اکثراً مبنای فتاوی علمای شیعه است قتال با دزد مسلح و متجاوز و ظالم برای دفاع از نفس و حریم و مال، حتی در شرایط احتمال و ظن بر کشته شدن، جایز است.

البته اکثر این روایات به اضطرار در چنین دفاعی اشاره دارند. صاحب جواهر دفاع از جان، حریم و مال را اقدامی مطابق اصل و اجماع و نصوص دینی معرفی می‌کند، اما بلافاصله به قول فقهای شیعه در وجوب رعایت سلسله مراتب، دفاع از سهل تا دشوارترین اقدامات، از تذکر زبانی، اعتراض مسالمت‌آمیز تا مبارزه مسلحانه را یادآور می‌شود. هرچند وی در باب دزد مسلح و محارب چنین ترتیبی را واجب نمی‌داند.^۲

آیات و روایات، بر وجوب دفاع از حوزه اسلام و مسلمین و وجوب دفاع از تعرض دشمنان به اموال و نوامیس مردم یا همان دفاع مشروع تأکید می‌کنند.

در میان فقهای معاصر اهل سنت نیز اقوال مختلفی در این باره دیده می‌شود که با شرایطی، این نوع عملیات را علیه دشمنان اسلام و اشغالگران سرزمین‌های اسلامی جایز می‌دانند و در این میان می‌توان از هبة الزحیلی، محمدسعید رمضان البوطی، جمعیت علما فلسطین، همام سعید، شیخ عبدالله بن حمید، جمعی از علمای اردن، عبدالله بن منیع از علمای عربستان، محمدسیدطنطاوی شیخ الازهر، شیخ احمد کفتارو مفتی اعظم سوریه، شورای فقهای اردن و یوسف قرضاوی به عنوان افرادی نام برد که این نوع عملیات بر علیه دشمنان امت اسلامی را مشروع می‌دانند.

نتیجه این که اکثر فقها اعم از شیعه و سنی مشروعیت این عملیات را مشروط به شرایطی کردند که خلاصه این شرایط مستخرج از آرا و فتاوی آن‌ها از این قرار است:

۱. دفاع از اسلام و مسلمین متوقف بر انجام این نوع عملیات باشد و اگر راه‌های دیگری غیر از این عمل برای مقابله و جلوگیری از هجوم آنها وجود داشته باشد، این عمل جایگاه شرعی ندارد.

۲. با اجازه حاکم شرع و با برنامه دقیق نظامی و سیاسی باشد تا از لطمه‌زدن به موقعیت



۱. عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۱۹ - ۱۲۳

۲. نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۶۵۱

اسلام جلوگیری شود.

۳. افراد بی‌گناه که در تجاوز و اشغالگری شرکت نداشتند و یا حمایت مادی و معنوی نکرده‌اند، کشته نشوند.

۴. این عمل با نیت جهاد دفاعی و اعتلای حق و جلوگیری از تجاوز و هجوم دشمنان اسلام و نه به عنوان خواسته شخصی و کشتن خود باشد.

۵. این عملیات باید بر علیه کفار اشغالگر و یا عهدشکن باشد نه هر کافری.

۶. مصلحت اسلام و مسلمانان مقتضی چنین عملیاتی باشد و ظن آسیب‌رسانی یا ایجاد ترس برای جلوگیری از حمله متجاوز باشد که تشخیص این دو امر هم برعهده خبرگان دین و اهل فن است و نه مجری عملیات.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب مطروحه، باید گفت که اگر چه هم در عملیات استشهادی و هم انتحاری شخص خود را از بین می‌برد، ولی این دو کاملاً، هم از نظر ماهیت و هم از نظر محتوی متفاوتند؛ چرا که در اسلام ملاک اعمال را نیت معرفی کرده‌اند و در اینجا با توجه به آن چه که گفته شد، عملیات استشهادی ملاک جهاد و دفاع دارد و هدف اصلی از آن دفاع از کیان اسلام، دین، مال و ناموس مسلمانان و مبتنی بر ادله جهاد دفاعی و دفاع مشروع بوده و کاری عقلایی مبتنی بر ایمان عمیق و قوی و برنامه‌ریزی و تحت‌نظر رهبر جامعه اسلامی بوده و در جهت اعتلای کلمه‌الله قدم برداشته و قصد هراس و نابودی دشمن کافر و اشغالگر را داشته، نه مردم بی‌گناه و به این نیت خود را از بین می‌برد، تا به دشمن آسیب وارد کرده و جلوی تهاجم را بگیرد. در حالیکه در انتحار و خودکشی شخص بدون داشتن هدف مقدس و والا و تنها براساس علل مادی و یا روحی از نوع تخریبی و کاملاً از روی سست ایمانی دست به این اقدام می‌زند، در عملیات انتحاری آنچه که ملاک عمل منتحر است، هیچ جهت شرعی نداشته و اقدام او منجر به کشته شدن بی‌گناهان شده و این عمل گاه با برداشت غیرصحيح از دین است که برخی برای استفاده‌های شخصی یا قومی و گروهی علیه هم‌کیشان خود یا دیگران استفاده می‌کنند و ادله آن همه منصرف به ادله حرمت قتل نفس است.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. ابن قدامه، عبدالله، بی‌تا، المعنی، تحقیق جماعه من العلماء، دارالکتب العربی، بیروت.



۳. آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۷۹، فرهنگ معاصر عربی - فارسی براساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور، نشرنی، تهران .
۴. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۳، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران .
۵. بحرانی، بی تا، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن .
۶. برجی، یعقوب علی، ۱۳۸۱، مقاله تروریسم از نگاه فقه، فصلنامه طلوع، شماره ۳ و ۴ .
۷. جعفری لنگرودی، محمد، بی تا، مکتب های حقوقی در حقوق اسلام، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق. وسائل الشیعه، چاپ دوم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم
۹. دارمی، عبدالله بن بهرام، ۱۳۴۹ هـ.ق، سنن الدارمی، مطبعه الاعتدال، دمشق.
۱۰. شامبیانی، هوشنگ، ۱۳۷۲، حقوق جزای عمومی، پازنگ، تهران.
۱۱. شهید ثانی زین الدین بن علی جبعی عاملی، ۱۴۱۰ هـ.ق، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، تحقیق سیدمحمد کلانتر، چاپ اول، داوری، قم.
۱۲. صدوق ابی جعفر محمد بن علی ابن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق. من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه المدرسین، قم.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۷ق. خلاف، تحقیق سید جواد شهرستانی و سید علی خراسانی و محمد مهدی نجف، چاپ اول، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۱۴. عوده، عبدالقادر، ۱۴۱۳ق. التشریح الجنایی الاسلامی، دار الکتب العربی - موسسه الرساله، بیروت.
۱۵. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۸۰، جامع المسائل، ناشر امیرالمؤمنین (ع).
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۴۰۱ق. فروع الکافی، چاپ سوم، دارالصعب و التعارف، بیروت.
۱۷. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ق. کنز العمال. مؤسسه المراسلی، بیروت.
۱۸. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، ۱۳۷۳ق. شرائع الاسلام، چاپ سوم، اسماعیلیان، قم.
۱۹. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۹، قواعد فقه بخش جزایی، جاب اول. مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق. بحارالانوار، چاپ دوم، موسسه الوفا، بیروت.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، بی تا، تفسیر المیزان علامه طباطبائی، دفترانتشارات اسلامی.
۲۲. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق. جواهر الکلام، تحقیق رضا اسنادی، جاب سوم، المکتبه الاسلامیه، قم.
۲۳. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۹ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ دوم، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، بیروت.

